

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات عربی

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد

عنوان:

شیخ احمد وائلی و شرح و تحقیق اشعار دینی وی

استاد راهنما:

دکتر احمد پاشا زانوس

استاد مشاور:

دکتر سید محمد میرحسینی

نگارنده:

هادی علی پور لیاپویی

اسفند ۱۳۹۰

تقدیم بہ :

آنها کہ دوستی شان مزد رسالت است

و عشق بہ آنان امید نجات ...

بہ اہل بیت ختم رسل، ہادی سل،

افتخار بشریت و عصارہ ہی، ہستی ...

تقدیر و شکر:

خدا را سپاس بی‌سایر و ستایش بی‌حد و شمار که بنده ناچیز خود را یاری نمود تا ترجمه و شرح این بخش از

دیوان شاعر متعهد اهل بیت (ع) را به پایان برسم.

در اینجا بر خود فرض می‌دانم از جناب آقای دکتر احمد پاشا، استاد راهنما و از اساتید فاضل دانشگاه که در

راه پژوهش اینجانب بذل عنایت نموده‌اند، شکر و قدر دانی نموده و از جناب آقای دکتر سید محمد میر حسینی

که از مشاورت ایشان در نگاشتن این رساله بهره برده‌ام، کمال امتنان را دارم و همچنین از همه اساتید

دانشگاه به خصوص دکتر عبدالعلی آل بویه و دکتر علیرضا شیخی که در طول دو سال تحصیل در دانشگاه مقطر به

تنگ‌نزد ایشان بوده‌ام و نیز از همه هم‌شاگردی‌هایم به خصوص آقایان محمدرضا و نبی‌الله محمدری و دوستانم

مهندس حسین آقا جلدانی که در طریق طبع و تألیف این رساله یاری ام کرده‌اند، آرزوی توفیق

روز افزون دارم.

## چکیده :

شیخ احمد وائلی خطیب و شاعر معروف در ۱۷ ربیع الاول سال ۱۳۴۱ هجری قمری در شهر نجف اشرف دیده به جهان گشود و تحصیلات مقدماتی خود را در همین شهر به پایان برد . با تکمیل دروس حوزوی و آکادمی پا به عرصه خطابه گذاشت و پس از چندی به خطیب مشهور عراق مبدل گشت تا جایی که سزاوار لقب استوانه منبر حسینی ( امیرالمنابر ) گردید.

شعر وی آمیخته با الفاظ و واژگان فخیم و درخشان و غالباً در اوزان بلند سروده شده است ، اشعارش از استحکام سبک و انسجام مطالب و شیوایی الفاظ برخوردار است . جزالت ، متانت و استحکام و خلوص و قوت موجود در آن از مقومات اصلی شعر اوست . ترکیبات او از تناقض ، تعقید و هر نوع آشفتگی به دور است ، بیان معنا و مضمون مورد نظر بیش از هر چیز دیگری برای وی از اهمیت بسزایی برخوردار است از این رو سادگی و سهولت لفظ را بر هر چیز دیگری ترجیح می دهد و معنا را فدای الفاظ آهنگین و مزین نمی کند و از درگیر ساختن شعر خود با پیچیدگی های لفظی حاصل از مقید ساختن کلام به محسنات لفظی اجتناب ورزیده است ، شعر وی تنها از عاطفة الحزن بهره مند نیست ، بلکه جدای از آن به مشخصه جدل و استدلال نیز آراسته است ، وی علاوه بر چیرگی اش در گزینش الفاظ ، عنان قافیه را در دست دارد و در سراسر اشعار خویش ، تابع عروض خلیلی است.

کلید واژه ها : احمد وائلی ، امیرالمنابر ، نجف.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
أ-پ	مقدمه
	فصل اول : ویژگیهای اشعار وائلی
۱	زندگی نامه وائلی
۲	شعر دینی
۳	رویکردهای سیاسی و اجتماعی در اشعار دینی وائلی
۵	امام حسین (ع) در اشعار وائلی
۸	الفاظ و اسلوب
۱۳	عروض و قافیه اشعار
۱۴	عیوب قافیه
۱۶	صورخیال
۱۹	وحدت مضمون
۲۱	استفاده از آیات و احادیث
۲۲	عاطفه
۲۳	حسن مطلع و مقطع اشعار
	فصل دوم : ترجمه و شرح ابیات
۲۵	قافیه همزه
۲۵	۱- إِلَى الْكَعْبَةِ الْغُرَاءِ..
۵۲	۲- الزَّهْرَاءِ
۶۶	۳- فَاجْعَةُ الطَّفِّ
۷۹	۴- رِسَالَةُ الْوَائِلِيِّ إِلَى الْإِمَامِ الرَّضَا (ع).
۸۲	قافیه باء

۸۲	۵- فی رِحَابِ الرَّسُولِ .....
۹۹	۶- عِنْدَ بَابِ الْحَوَائِجِ . .....
۱۰۶	۷- رِسَالَةٌ لِلْحُسَيْنِ (ع) .....
۱۱۶	قافیه حاء .....
۱۱۶	۸- مع الإمام علی (ع) .....
۱۳۲	قافیه دال .....
۱۳۲	۹- غدیر علی (ع) .....
۱۵۲	۱۰- الإمام الحسن (ع) .....
۱۶۶	۱۱- أبا الشُّهَدَاءِ . .....
۱۷۴	۱۲- قَتَلَ الْحُسَيْنُ يُزِيداً . .....
۱۷۷	قافیه راء .....
۱۷۷	۱۳- فی ذِکْرِی الْحُسَيْنِ (ع) .....
۱۹۲	۱۴- مَنْطِقُ الْعِبْرَةِ .....
۱۹۸	قافیه عین . .....
۱۹۸	۱۵- مَوْلِدُ الْحُسَيْنِ (ع) .....
۲۱۲	۱۶- شُمُوعُ الطَّفِّ .....
۲۲۶	۱۷- رِسَالَةٌ لِلْأُمَّةِ .....
۲۳۹	قافیه لام .....
۲۳۹	۱۸- حَدِيثُ الْجِرَاحِ .....
۲۵۰	۱۹- عَقِيلَةُ الطَّالِبِينَ . .....
۲۶۴	قافیه نون . .....
۲۶۴	۲۰- إِلَى أَبِي تَرَابٍ . .....
۲۸۰	نتیجه . .....
۲۸۲	بی نوشت ها. .....
۲۸۶	فهارس .....

۲۸۷	فهرست آیات
۲۸۹	فهرست عنوان اشعار
۲۹۰	فهرست اصطلاحات بلاغی
۲۹۳	فهرست بحرهای عروضی
۲۹۴	فهرست منابع و مآخذ



## مقدمه :

« سرزمین عراق از دیرباز ، خاستگاه علم و ادب بوده و در این میان شهر نجف ، از صدها سال پیش تا کنون در جهان اسلام از جایگاه علمی و دینی ویژه ای برخوردار بوده است و به همین جهت بسیاری از شیفندگان دین و طالبان علم از سراسر دنیا به این قطب علمی جهان تشیّع سرازیر می شدند و بازار دانش را در آن رونق می دادند.

از این رو شهر نجف به عنوان شهری ادب پرور شناخته شد ، مردم نجف در مناسبات دینی مختلف جشن هایی برگزار می کردند که در رونق بخشی به روند صعود رشد شعر و ادبیات نجف و حتی عراق تأثیر بسیار داشت ، مناسبت این محافل غالباً ولادت یا وفات نبی مکرم اسلام و ائمه ی معصومین علیهم السلام بوده است<sup>۱</sup>».

« دیوان شعر نجف موضوع جدیدی را به موضوعات شعر عرب ، در دوره های مختلف عربی ، نمی افزاید با مطالعه شعر نجف در سده های ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری تعدادی از مضامین شعری را می یابیم که مورد توجه بیشتر شاعران قرار گرفته و قصائد بسیار زیادی در این ابواب سروده اند ، کثرت مدایح نبوی در قصائد مدحی اهل بیت از جمله اموری است که موضوع مدح را در این رده قرار می دهد. با این وجود مدح از جهت کثرت قصائد پس از رثا قرار می گیرد و این به دلیل فاجعه عاشورا و شهادت حضرت ابا عبدالله (ع) و یاران او در کربلا ، تعلق خاطر شعرای شیعه به آن حضرت و سرایش اشعار بسیار زیاد آنان در این زمینه است. این دسته از اشعار شعرای نجف از عاطفه ای صادقانه و احساسات سرشار برخوردار است ، چرا که مراسم عزاداری امام حسین (ع) ، به منزله ی بازارهای ادبی ، به شمار می رود که شاعران در آن قدرت ادبی خویش را در معرض نمایش قرار می دهند و می کوشند بهترین ها را ارائه کنند از این رو چنین قصایدی در مقایسه با سایر اغراض از متانت و زیبایی و خلوص بیشتری برخوردار است<sup>۲</sup>».

در چنین فضای ادبی پویا و پرتحرک ، شعرای بسیاری ظهور یافته و به ایفای نقش خود در روند غنای ادبیات نجف و عراق پرداخته اند. برخی از آن ها به شهرت بیشتری دست یافتند و برخی دیگر که

۱. الموسوی ، عبدالصاحب ، حركة الشعر فی النجف الاشرف و اطواره ، ص ۶۷-۶۹

۲. همان ، ص ۱۶۸ و ۱۶۹

سهم کمتری از شهرت داشتند، جز در میان دوستان و جمع اندکی از اطرافیان و ادب دوستان شناخته نشده اند.

در میان افراد بسیار زیادی که نام شیخ احمد وائلی خطیب نامدار جهان را شنیده اند و از خطابه های او، حظ و بهره ای وافر برده اند شاید کمتر کسی بداند که این شیخ نجفی شاعر هم بوده و چند دیوان شعر چاپ شده دارد، باعنایت به جایگاه والای ادب عربی در دین اسلام و بویژه در مذهب شیعه، معرفی چنین شاعر ملتزم اهل بیت به همه دانش پژوهان ضروری می نمود و از آن جا که وائلی از شاعران معاصر بوده از همان ابتدا مشکل کمبود منابع مربوط به زندگی و ادب او خودنمایی می کرد به ناچار به تعداد محدودی از منابع که در دسترس بود اکتفا شده است.

اینک نگارنده برای آشنایی بیشتر خوانندگان شریف با سبک و سیاق این ترجمه و تألیف، ذیلاً نکاتی را عرضه می دارد، بدان امید که تطویل کلام، خاطر لطیفشان را نیازارد.

۱- دربخش اول رساله، نگارنده بعد از نگاهی موجز به زندگی شاعر، به ویژگیهای اشعار وی پرداخته است.

۲- بخش دوم رساله ترجمه و شرحی است از دو جلد دیوان وائلی مشتمل بر اشعار دینی وی، ناگفته نماند که چندین قصیده شاعر در دواین مذکور موجود نبوده بلکه از دیوانهای دیگری که از ایشان اخیراً به چاپ رسیده و در منابع و مآخذ نام آنها ذکر گردیده، استفاده شده است.

۳- نگارنده در این رساله مجموعاً ۲۰ قصیده (۹۷۶ بیت) را ترجمه و شرح نموده که قصاید، حسب قافیه آورده شده است.

۴- روش شرح ابیات به ترتیب ذیل است:

(الف) مناسبت نظم هر قصیده در ابتدای اشعار ذکر شده است.

(ب) بیت عربی با تشکیل و اعراب آمده است.

(ج) لغات مهم یا مشکل به فارسی ترجمه شده است.

(د) بعد از ترجمه لغات به ترجمه بیت پرداخته شده و سعی شده به فارسی سلیس و روان ترجمه

شود.

(ه) سپس به برخی از نکات مهم صرفی و نحوی و بلاغی و لغوی، با ذکر منابع در پاورقی اشاره

شده است.

- ۵- نگارنده در این تألیف به اوزان قصائد و نام بحر هر قصیده و تقطیع مطلع قصائد- به صورت پاورقی - توجه نموده است .
- ۶- در شرح ابیات برخی از کلمات ، نقل قول ها ، آیات و احادیث غالباً درون گیومه نهاده شده است.
- ۷- شایان ذکر است نگارنده برخی اصطلاحات بلاغی و بحرهای عروضی را در پاورقی تعریف نموده است .
- ۸- نگارنده به جهت اجتناب از اطاله کلام در پاورقی ، برخی از مطالب را با درج ستاره ، روی هر عنوان در پی نوشت آورده است .
- ۹- راقم سطور برای تألیف این اثر به فرهنگهای لغت پارسی و عربی مراجعات بسیاری داشته است ، از میان فرهنگهای پارسی ، باید لغت نامه دهخدا را مخصوص به ذکر نموده و در میان معاجم عربی ، می توان از فرهنگهای لسان العرب ، تاج العروس ، صحاح اللغة و..... نام برد.
- ۱۰- عمده تحقیقات نگارنده در عرصه بدیع و بلاغت ، کتب مطوّل ، مفصّل شرح مطوّل ، ابداع البدایع ، الايضاح و جواهرالبلاغه بوده است .
- ۱۱- در انتها نتیجه حاصل از بررسی اشعار ، سپس فهرستی از آیات ، اصطلاحات بلاغی ، بحرهای عروضی موجود در اشعار و منابع ذکر شده است .
- از آن جاکه نگارنده مطالب را در حدّ بضاعت مُزجات خویش پرداخته رجاء واثق دارد که علما و ادبای فاضل لغزشهای قلمش را نادیده انگارند که در مآثور چنین آمده است « أَلَدَّالُّ عَلَى الْخَيْرِ كَفَاعِلِهِ ».

مِنَ اللَّهِ التَّوْفِيقُ وَ هُوَ الْمُسْتَعَانُ

هادی علی پور لیافویی



## فصل اول

ویژگیهای اشعار وائلی

## زندگی نامه وائلی:

احمد بن شیخ حسون بن سعید الوائلی در سال ۱۳۴۱ هجری قمری<sup>۱</sup> در نجف اشرف دیده به جهان گشود<sup>۲</sup>، عنایت خداوند این بود که در روز ۱۷ ربیع الاول مصادف با سالروز ولادت پیامبر اعظم (ص) و نواده گرامی اش امام صادق (ع) به دنیا بیاید، از این رو پدرش بدون تردید و تأمل نام احمد را برای او برگزید، خانواده او که به خانواده آل حرج معروف بودند مثل خانواده های بزرگ علمی نجف آل مظفر، آل بحر العلوم و آل کاشف الغطاء چندان مشهور نبود ولی علم و معرفتی که این علامه بزرگ کسب کرد این خانواده را بلند آوازه ساخت، پدر ایشان چندان معروف نبود و زیاد منبر نمی رفت زیرا در اواسط عمر خویش پا به عرصه وعظ و خطابه نهاده بود اما شیخ احمد در سنین کودکی به میدان وعظ و خطابه وارد شده بود و در ۷ سالگی وارد مکتب خانه شد و قرآن را حفظ کرد سپس به تعلیم دروس حوزوی پرداخت و در آن به پیشرفت چشمگیری نائل گشت و دروس مقدماتی را نزد علمای بارز حوزه در نجف گذراند ولی بدان کفایت نکرد بلکه دروس آکادمی را هم ادامه داد<sup>۳</sup>. با تأسیس «کلیة الفقه» (دانشکده فقه) در سال ۱۹۵۸ میلادی به آن دانشکده رفت و در سال ۱۹۶۲ لیسانس زبان عربی گرفت، او تحصیلات خود را در همان رشته در «معهد الدراسات العلیا» - وابسته به دانشگاه بغداد - ادامه داد و با نوشتن پایان نامه ای تحت عنوان «أحكام السجون» فوق لیسانس گرفت. پس از آن به مصر رفت و دوره دکترای خود را در دانشکده «دارالعلوم» دانشگاه قاهره تکمیل کرد در سال ۱۹۷۸ میلادی با دفاع از رساله «استغلال الأجير و موقف الاسلام منه» به درجه دکترا نائل گشت<sup>۴</sup>.

۱. جعفرالرواق، صادق، امیرالمنابر، ص ۸۸

۲. درباره ولادت شاعر نظرات متفاوتی ذکر شده که به برخی اقوال اشاره می گردد:

محمد هادی امینی، تاریخ ولادت شاعر را به سال ۱۳۴۶ ق ذکر نموده است (الأمینی، محمد هادی، معجم رجال الفكر و الادب فی النجف خلال الف عام، ص ۲۲)

دکتر ناجی الغریری ولادت شاعر را به سال ۱۳۴۷ ق ذکر نموده است (ناجی الغریری، احمد، الشیخ احمد الوائلی، ص ۹) فتلاوی تاریخ ولادت شاعر را سال ۱۳۴۲ ق ذکر نموده است (عبود الفتلاوی، کاظم، المنتخب من اعلام الفكر و الأدب، ص ۸۰)

۳. الطریحی، محمد سعید، امیر المنبر الحسینی، ص ۲۲۷

۴. همان، ص ۱۲.

بیشتر عمر مرحوم وائلی به منبر و خطابه گذشت و در منبر از اندوخته های گوناگون خویش به ویژه قدرت ادبی و سرودن شعر بهره گرفت. کرامت نفس، جامعیت علمی، و مکارم اخلاق وی را در جایگاه یکی از محبوب ترین خطبا قرار داد تا جایی که سزاوار استوانه منبر حسینی گردید و هیچ یک از خطبای دیگر نتوانستند به توانمندی های خطابی و فکری و ادبی منحصر به فرد او برسند.

شیخ وائلی به شعر و ادب و دعوتگری مشهور شد و عهده دار دغدغه های امت مسلمان گردید و به ایستادگی در برابر استکبار و اشغالگری دعوت کرد. وی از ظلم و ستم نظام بعثی عراق در امان نماند مجبور شد کشورش را ترک گوید و در کشورهای اسلامی و مغرب زمین زندگی کند و مسلمانان را با علوم اسلامی آشنا کند<sup>۱</sup>، او از رنجهای ملت عراق در رنج به سر می برد و از ترور رفیق راه خود شهید صدر در رنج و تعب افتاد و با وفات پسرش سمیر در سال ۱۹۹۹ میلادی مصیبت دید و ۲۵ سال را در کشورهای گوناگون گذراند اما قلبش آمیخته با مهر عراق و نجف شد.

سر انجام پس از سقوط نظام بعثی عراق به آغوش میهن خویش بازگشت و ۱۰ روز پس از آن در ۱۴ جمادی الثانی ۱۴۲۴ قمری در شهر کاظمین در گذشت و در صحن مطهر علوی در جوار کمیل بن زیاد آرام گرفت.

« وائلی آثار و تألیفات بی شماری از خود برجای گذاشت که شامل هزاران سخنرانی و صدها پژوهش و تعدادی از کتاب های چاپ شده است که تعدادی از آنها عبارتند از: احکام السجون فی الشریعة الاسلامیة، استغلال الأجر و موقف الاسلامیة، هویة التشیع، ایقاع الفکر، من فقه الجنس فی قنواته المذهبیة، جمعیات حمایت الحیوان فی الشریعة الاسلامیة، تجاری مع المنبر، الأولیات فی حیاة الامام علی (ع) و دو جلد از دیوان شعر وی<sup>۲</sup>».

شعر دینی :

آنچه به عنوان شعر دینی در مجموع دیوانهای شیخ احمد درج گردیده مجموعه ای از قصائد غالباً بلند در مدح رسول اکرم (ص) و اهل بیت ایشان و رثای ائمه اطهار به ویژه حضرت سیدالشهداء (ع) است و شاید بهترین عنوان برای نام گذاری قصاید مذکور شعر دینی باشد.

۱. امیرالمنبرالحسینی، ص ۳۵

۲. همان، ص ۱۰۹ و ۱۸۴

یکی دیگر از مسائلی که ذکر آن در این قسمت ضروری به نظر می رسد این است که وائلی در طول زندگی ادبی خویش هیچکس جز اهل بیت رسول خدا را مدح نکرد و در سراسر دیوان او حتی یک قصیده در مدح شخصی غیر از رسول اکرم و اهل بیت ایشان، سروده شده باشد، نمی یابیم از این رو می توان نتیجه گرفت که مدح وائلی همان شعر دینی اوست و جز این اشعار دینی قصیده دیگری که بتوان نام مدح را بر آن اطلاق کرد در دیوان او وجود ندارد.

در اشعار دینی وائلی گاه مدح با رثای ممدوح در هم می آمیزد و تصویری لطیف تر و تأثیر گذار تر را در ذهن مخاطب ایجاد می کند. وی در یکی از قصائد مدحی حضرت صدیقه طاهره (س) پس از آغاز ۵ بیتی ممدوح به سرعت به رثای آن حضرت منتقل می شود. در همین چند بیت منتهای تلاش خود را به کار می گیرد تا با الفاظ و عباراتی فخیم و متین عظمت ممدوح خویش را در برابر عقل و احساس خواننده به نمایش بگذارد و پس از آنکه به سرعت به رثا منتقل می شود این سؤال را در ذهن مخاطب ایجاد می کند که آیا به راستی بر چنین شخصیت با عظمتی چنین مصائب دردآوری روا داشته اند. **رویکردهای سیاسی و اجتماعی در اشعار دینی وائلی :**

از جمله بارزترین مسائلی که در مطالعه این بخش از اشعار وائلی خودنمایی می کند استفاده اجتماعی و سیاسی او از مدح اهل بیت به ویژه شخص رسول اکرم (ص) است و این بخش هماهنگی کامل را با شخصیت خطابی و علمی و روحانی او دارد.

مثلاً در قصیده « فی رحاب الرسول » او می کوشد با تکیه بر اشارات تاریخی خود در اثنای قصیده، خواننده را در جریان مجد و عظمت مسلمانان در گذشته های نه چندان دور قرار دهد و سپس با انتقال او به فضای حاکم بر جامعه اسلامی امروز و اشاره به وضعیت اسفبار کشورهای مسلمان در قرن حاضر باب مقایسه و نتیجه گیری را در برابر او بگشاید وی از این طریق می کوشد از مدح رسول خدا و خاندان آن حضرت بهره های اجتماعی و سیاسی ببرد و در این کوشش مستمر، شخصیت خطابی او به وضوح نمایان است.

گاه در اشعار دینی وائلی شاهد اندوه و نگرانی او به سبب جهل برخی از مسلمانان و درگیری های طائفه ای و فرقه ای در کشورهای اسلامی و عقب ماندگی های علمی و فرهنگی امت رسول خدا در واقعیت جهان امروز هستیم در این بخش از دیوان او تشویش و دل آزردهی خود را بروز می دهد:

يُؤذِي النَّهْيَ وَالْمَنْطِقَ الْجِدَّ أَنْ يَرَى	هُرَاءَ هَزِيلاً يَسْتَطِيلُ وَ يُطْنَبُ
يُولِمُكَ الْإِنْسَانَ يُقْتَلُ تَرْبَهُ	وَدُونَ الدَّمَاءِ الْحُمْرِ مَا هُوَ أَصُوبُ

وَلَكِنَّنِي أَرْتِي لِنَاسٍ تَفِرُّ مِنِّي  
جَحِيمٍ لِيَحْوِيهَا جَحِيمٌ مُّذَهَّبٌ<sup>۱</sup>

«عقل و بینش آزرده می شود وقتی حقیقت امور آنچنان که هست معرفی نمی گردد و کلامی فاسد و بی نظم بی جهت بزرگ و زیبا جلوه داده می شود.

وقتی می بینی که انسانی، انسان دیگر را می کشد و در ورای خون سرخ او اندیشه او را که بسی گران سنگ تر است، قربانی می کند قلبت به درد می آید.

اما من گذشته از همه این دردها، بر مردمی گریه می کنم که از یک جهنم می گریزند و به سوی جهنم ظاهراً زیبای دیگر می روند.»

او از مسلمانان می خواهد که به پاخیزند و گرد جهل و عقب ماندگی را از خود بزاینند و گذشته پر شکوه اسلام را دوباره بسازند، وائلی برای تحقق این امید از خدا طلب یاری و مساعدت دارد:

فَإِذَا حَطَّ إِبْرَاهِيمُ هَاجِرَ وَأَبْنَاهَا  
وَسِعَتْهُمَا مِنْ رَحْمَةٍ وَكَرَامَةٍ  
وَمَا كُنْتُ رَبًّا لِلنَّبِيِّينَ وَخَدَّهُمْ  
فِي أَرْبَعِينَ أَلْفًا هَاجِرًا وَأَبْنَاهَا  
عَلَى وَجَلٍ فِي وَحْشَةٍ وَعُغْرَاءِ  
وَتَبَعِينَ مِنْ مَهْوَى الْقُلُوبِ وَمَاءِ  
فَإِنَّكَ رَبُّ النَّاسِ وَالضُّعْفَاءِ  
وَأَهْلِ شَعْبٍ غَارِقٍ بِشَقَاءِ  
يُخَلِّصَ مِنْ سُوءٍ وَفَرَطٍ بَلَاءِ<sup>۲</sup>

«آن هنگامی که ابراهیم، هاجر و فرزندش را با وحشت و ترس در بیابانی خشک و بی آب فرود آورد.

رحمت و کرامت خود را شامل حال آن دو کردی و چشمه ای از آب و چشمه ای از محبت دلهارا بر آن دو جاری ساختی.

خدایا! تو فقط پروردگار پیامبران نیستی بلکه خدای انسانهای دیگر و مستضعفین هم تویی. خدایا! هزاران هاجر و اسماعیل در نزد مایند، خانواده و ملتی که در بدبختی غرق شده اند. مصیبت و بلای آنان طولانی شده، خدایا! امر کن که از این بدبختی و مصیبت طولانی رهایی یابند.» گاهی وائلی در قصاید خویش مسلمانان اعم از شیعه و سنی را به وحدت و رویارویی با دشمن مشترک فرا می خواند، چرا که اعتقاد به نبوت نبی اکرم اسلام از اصول مشترک میان مذاهب اسلامی است. با وجود آنکه وائلی گوشه چشمی به مسائل مربوط به سقیفه و شورای تعیین خلیفه دارد

۱. دیوان الشیخ احمد الوائلی، ج ۱، ص ۱۷-۱۸

۲. همان، ج ۲، ص ۱۴



امیرالمومنین علی (ع) را ذخیره ای ارزشمند برای همه مسلمین می داند و از این طریق نیز برای دعوت مسلمانان به وحدت حول محور امام علی (ع) استفاده می کند:

أَنْتَ لِلْمُسْلِمِينَ طَرًّا رَصِيدٌ      يَتَسَاوُونَ فِيهِ بِالْأَرْيَاحِ<sup>۱</sup>

« تو ذخیره ای برای همه مسلمانان هستی و همه از این ذخیره ارزشمند ، سود یکسان می برند.»

### امام حسین (ع) در اشعار وائلی :

اما قسمت اعظم اشعار دینی وائلی ، اختصاص به قصائدی دارد که در مدح و رثای سرور و سالار شهیدان سروده است.

جایگاه شعر عاشورا در میان شعر شیعی همچون نگینی درخشان در حلقه ادبیات مکتبی است ورود حماسه کربلا به حیطه شعر و ادب از عوامل ماندگاری آن نهضت است ، چرا که قالب تأثیر گذار و نافذ شعرو مرتبه میان دلها و عاطفه ها از یک سو و حادثه عاشورا از سوی دیگر پیوند زده و احساس شیفتگان را به آن ماجرای خونین و حماسی وصل کرده است.

آمیختگی مدح و رثا در قصائد مدحی سیدالشهدا نیز کاملاً مشهود است ، البته در این بخش از اشعار از همان ابتدا پیداست که شاعر تنها قصد گریستن و گریاندن مخاطب را ندارد او معمولاً بر اهل بیت امام حسین (ع) می گرید و می کوشد تصویر شفاف و تأثیر گذاری از وضعیت آنان پس از واقعه عاشورا ارائه دهد در این قسمت از قصائد عاشورایی او می توان گفت که وائلی قصد گریه دارد در حقیقت بار اندوه دل خود را از طریق اشکهای جاری خویش سبک می کند اما آنجا که از خود سیدالشهداء سخن می گوید ، نمی گرید و قصد گریاندن ندارد او فقط سعی می کند از امام الهام بگیرد و تسلیم ناپذیری آن حضرت را در برابر ظلم و ستم بستاید با ابیات آغازین قصائد که همواره فاخر و عظیمند پیروزی حق بر باطل را در عرصه کربلا به خواننده ثابت می کند:

أَيْنَعَتْ فَالزَّمانُ مِنْها خَميلُ	الجِراحاتُ وَالدمُّ المَطْلُولُ
دَمٌ فيما يُعطيهِ فَتَحٌ جَليلُ	وَمَضَتْ تُنشيءُ الفُتوحَ وَبعضُ الدِّ
رَارَ وَ التَّائرينَ : هذا السَّبيلُ	وَالدمُّ الحَرُّ مارِدٌ يُنبئُ الأَحـ
سَبيرِ المَجْدِ ما رَوَتْهُ النُّصُولُ <sup>۲</sup>	حَدِيثُ الجِراحِ مَجْدٌ وَ أَسْمَى

۱. دیوان الشیخ احمد الوائلی ، ج ۱ ، ص ۱۹

۲. همان ، ج ۱ ، ص ۴۰

« زمان آن رسیده که میوه زخم ها و خونی که انتقامش گرفته نشده چیده شود ، زمانه از این همه میوه آماده چیدن به باغی پر درخت تبدیل شده است .

این زخم ها و این خون ها ، پیروزی های بسیاری را در تاریخ آفریده اند ، چرا که برخی از خونها با نتایجی که به بار می آورند پیروزی بزرگی به حساب می آیند.  
خون آزاده سرکش است و به آزادگان و انقلابیون اعلام می کند که راه اینجاست.

سخن از زخمها عین عظمت و بزرگواری است و والاترین بزرگواری و عظمت همان است که نیزه ها روایتگر آند .»

از نظر وائلی امام حسین (ع) منبع الهام مسلمین و بلکه تمام بشریت در انقلاب علیه ستم و جور ظالمان است و این خون تا ابد از جریان نخواهد ایستاد:

وَيَا رَبَّوَاتِ الطِّفْلِ الْفُتُوحِيَّةِ      لِأَيَّامِ عَاشُورَاءَ تَخْتَالُ خُرْدًا  
وَرَعِيًّا لِيَوْمِ كَلَّمَا طَالَ عَهْدُهُ      أَرَاهُ بِمَا أُعْطِيَ يَعُودُ كَمَا بَدَأَ

« ای تپه های سرزمین کربلا! هزار تحیت و سلام بر ایام عاشورا که با تکبر و غرور در تاریخ خودنمایی می کند .

و خداوند نگهدار روزی باشد که هرچه زمان می گذرد با ثمرات و نتایجی که به بار می آورد باز هم نو و تازه است .»

گاهی اوقات از مدح و رثای همزمان سیدالشهداء ، بهره برداری اجتماعی و سیاسی می کند :

مَوْلَايَ عَادَ إِلَى السُّمَارِ مَجْلِسُهُمْ      وَعَادَ يَبْعَثُ فِينَا اللَّذَّةَ الْخَدْرُ  
أَيَّامٌ لَانَحْنُ فِي سِلْمٍ فَيَمْنَعُنَا      وَلَا بَحْرَبٍ فَنَدْرِي كَيْفَ نَعْتَجِرُ  
مَشَى لَنَا غُرْمَاءٌ لَوْ بِسَاعِدِهِمْ      لَهَانَ، لَكِنَّهُمْ ظِلٌّ لِمَنْ أَمَرُوا  
تَقَسَّمُونَا فَأِغْرَاءٌ لِمَنْ رَقَّصُوا      رَقَّصَ الْقُرُودِ وَضِعَطُ صَبْرُوا<sup>۲</sup>

« مولای من! محفل شب نشینان بر همان روال سابق برگزار می شود و دوباره لذت عافیت در وجود ما رخوت و سستی ایجاد کرده است.

۱. دیوان الشیخ احمد الوائلی ، ج ۱ ، ص ۲۹

۲. همان ، ج ۲ ، ص ۳۷-۳۸

روزگاری است که نه در صلحیم تا از جنگ و خونریزی مانع شویم و نه در حال جنگیم که بدانیم چگونه عمامه ببندیم و صف آرایی کنیم.

دشمنانی داریم که اگر اختیار کار در دست خودشان بود مسأله راحت می شد اما آنان سایه و فرمانبردار رؤسا و فرمانروایان خود و تابع دستور آنهایند.

مارا از هم جدا کردند و میان ما تفرقه و جدایی افکندند و کسانی را که همچون بوزینگان خوش رقصی می کردند تشویق نمودند و صابران را تحت فشار قرار دادند.»

او به کسانی که از امام حسین(ع) وسیله ای ساخته اند تا با استفاده از آن به نیات و مقاصد پلید خویش برسند، اعتراض می کند و آنان را دشمنان به ظاهر دوست اهل بیت می شمرد که در حقیقت کمر به قتل معنوی ابا عبدالله بسته اند، شاعر خشم خود را از مردم فریبی این قوم دروغ پرداز منافق این گونه بیان می کند:

صَبُّوكَ فِي أَلْفِ شَكْلِ مِنْ قَوْلِهِمْ      حَتَّى كَأَنَّكَ لِلتَّزْيِيفِ مُخْتَبِرٌ  
وَأَشْرَعُوكَ سِلَاحًا لَا تُجَذَّبُهُ      إِلَيْدَاكَ وَجِسْرًا فَوْقَهُ عَبْرًا<sup>۱</sup>

« تو را در هزاران شکل و قالب ریختند تا بدانجا که گویی تو محل آزمودن انواع تقلب و نیرنگی . تو را همچون شمشیری برهنه کردند که جز دستان تو چیز دیگری را قطع نمی کند و از تو پلی ساختند که خودشان از آن عبور کنند.»

گاهی در اشعار خود، وائلی واقعه کربلا را حماسه ای منفرد و مستقل در یک نقطه معین از تاریخ نمی داند بلکه استمرار وقایعی است که از بدر و أحد شروع شده و ریشه در تضاد حقیقتی میان حق و باطل دارد وی در قصیده ای تحت عنوان « عَقِيلَةَ الطَّالِبِينَ » چنین می سراید:

أَسْرَتُهُ دِيُونُ بَدْرٍ وَأُحُدٍ      وَأَحَاطَتْ زُنُودُهُ بِالْكُبُولِ<sup>۲</sup>

« وامداران بدر و أحد او را به اسارت گرفتند و زنجیرها و بندها، دستهایش را فراگرفت.»

اما نکته ای که از بعد ادبی و تحول مفاهیم شعر انقلابی دارای اهمیت بیشتری است اشاره به مفهوم فدا و تقدیم قربانی در بیت است، این مفهوم در صور شعری جدید و اسالیب نوین شعر عربی معاصر ارزش و اهمیت بسزایی دارد و به کاربرد اسطوره و رمز در زبان شعر مرتبط می شود و حسین نماد برتر هر فدایی و نماد هر شهید راه حق است.

۱. دیوان الشیخ احمد الوائلی، ج ۱، ص ۳۸

۲. همان، ج ۲، ص ۱۴۷

عَلَّمْتَنَا أَنَّ الْفِدَاءَ فَرِيضَةٌ      إِذَا فَتَقَرَّ الْعَيْشُ الْكَرِيمُ إِلَى الْفِدَاءِ  
قَرَابِينَ فِي دُنْيَا الشَّهَادَةِ أَحْسَنُوا      صَنِيعًا وَمَا غَيْرَ الْفِدَاءِ صَنِيعٌ  
تَوَحَّدَهُمْ دُنْيَا الْفِدَاءِ فَيَسْتَوِي      بِهَا طَاعِنٌ فِي سَنِهِ وَرَضِيْعٌ  
وَمَا كُنْتَ تَرْضَى عَنْ كَثِيرٍ بَدَلْتَهُ      فَمَا أَنْتَ فِي دُنْيَا الْفِدَاءِ قُنُوعٌ<sup>۲</sup>

« به ما آموختی که جانفشانی در این راه از واجبات الهی است آنگاه که زندگی کریمانه ، نیاز به جانفشانی و فداکاری پیدا کند.

قربانیانی که بشهادت خود در دنیا عمل نیک انجام دادند که احسان و نیکی آن ها ، جز جانفشانی نبود.

و در دنیا جانفشانی آنها بی همتا بود ، زیرا در آن پیران سالخورده و کودکان شیرخوار برابر بودند. تو از بذل و بخشش افزون خویش خرسند نیستی ، زیرا جانفشانی تو در دنیا آنقدر عظیم است که بزرگی آن هم ، تو را قانع نمی کند .»

### الفاظ و اسلوب :

یکی از مقیاس های نقد اسلوب ، بررسی الفاظ از نظر میزان دقت در ادای معنا و سهولت تلفظ و وضوح و هماهنگی میان الفاظ و معانی است. شاعر نباید در استفاده از الفاظ شعری پیچیده و پر رمز زیاده روی کند ، چرا که این الفاظ در کنار تشبیهات و استعارات پیچیده و مبهم ، شعر را به معمایی حل ناشدنی تبدیل می کند و افکار و احساسات شاعر را از بین می برد ، از سوی دیگر در صورت زیاده روی در استخدام این گونه کلمات ، خود را گرفتار موسیقی و شکل ظاهری الفاظ نموده و تبدیل به شاعری لفظی می شود که ظرف های لفظی زیبا اما خالی از معنا و مضمون را به مخاطب عرضه می کند ، وائلی در زمینه الفاظ نیز شاعری معناگراست اما برای بیان یک مطلب بیش از هر چیز دیگری توجه خود را بر محتوا و مضمون معنای مقصود متمرکز نموده و از درگیر ساختن شعر با لفظ پردازی های دشوار و پیچیده اجتناب می ورزد ، چرا که مخاطب اکثر مضامین مورد نظر او ، ملتی درد کشیده و جامعه ای عقب نگاه داشته و مردمی ناآگاه اند که باید بدان ها آگاهی و بصیرت بخشید و سخن گفتن با زبان ساده و روان همین مردم بهترین شیوه برای برقراری ارتباط با آنان است البته گاهی اوقات این تصور به خواننده دست

۱. دیوان الشیخ احمد الوائلی ، ج ۲ ، ص ۲۹

۲. همان ، ج ۲ ، ص ۱۱۹